روزنامه شرق

جهان • گزارش

ادای یک شخصیت، احیای یک رابطه صفحه ۸

نگاهی به آیین چانه‌زنی در دنیای سیاست صفحه ۹

گفت‌وگو با برنامه‌نویس ایرانی «آیفون» که ساکن واشنگتن است صفحه ۱۰

خط «قرمز» روسیه دور نقطه «آتش»



عکس: Reuters



علی ذهابی

کمتر از دوسال پیش که موج بهار عربی شـمال آفریقا را درنوردید، پس‌لرزه‌های زلزلـه تغییر در تونـس، مصر و لیبی به نیمه شـرقی جهان عرب رسید تا دامن یمـن را هم بگیـرد. این آغـازی برای تحولات گسـترده‌تر در کشورهای این منطقه چون بحرین، عربستان، امارات و سوریه بود. سرکوب، اعتراضات در بحرین، عربستان و امارات را نهایتا به سکوت کشاند؛ اما در سوریه تبدیل به جنگی داخلی شد. حالا هرچه از آغاز ناآرامی‌ها در سوریه فاصله می‌گیریم، ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی بحران در این کشور گسترش می‌یابد. تا آنجا که سـوریه تا آسـتانه حمله نظامی غرب نیز پیش رفت. همین موضوع هم موجب شده تا روسیه همواره به‌عنوان حامی سوریه در شورای امنیت قطعنامه‌های مختلف علیه این کشـور را وتو کند. روسیه نشان داده نمی‌خواهد تجربه لیبی برایش تکرار شود. به همین دلیل همواره مخالف استفاده از روش‌های قهرآمیز برای دفاع از حقوق‌بشـر در امور داخلی سوریه است و بر همین اساس گزارش ارایه‌شده توسط کمیته حقوق‌بشر سازمان ملل و اتحادیه عربی را سیاسی و یکجانبه می‌خواند و همچنان بر روابط خود با دولت بشار اسد پافشاری می‌کند و با سیاست فشار سیاسی و تحریم اقتصادی غرب علیه سوریه همراهی نمی‌کند. از طرفی حضور گروهی از کشتی‌های نیروی دریایی روسیه به رهبری ناو هواپیمابر دریاسالار کوزنتسوف در بندر طرطوس نشانه‌ای روشن از مخالفت روس‌ها برای حل‌وفصل نظامی مسـاله سوریه از سوی کشـورهایی است که خواهان سقوط دولت اسد هستند هرچند روسیه اعلام کرده از مدت‌ها پیش تصمیم به انتقال ناو هواپیمابر خود به مدیترانه گرفته بود. این نکته را باید از نظر دور نداشت که سوریه به‌دلیل موقعیت استراتژیک خود متفاوت از سایر کشورهای عربی است و نمی‌توان نقش کلیدی آن را در جهان عرب نادیده گرفت. در این نوشتار سعی شده با نگاهی تاریخی به مناسبات و روابط سوریه و روسیه بیش از پیش علت اهمیت سوریه برای روسیه مشخص شود.

خاندان اسد نقطه اتصال روسیه به سوریه

پایـان جنگ جهانی اول برای امپراتوری عثمانـی روزگاری تازه را می‌آفرید، جنگی که حاصل آن فروپاشی عثمانی و نقطه آغازی برای شکل‌گیری خاورمیانه جدید بود. به‌دنبال این تغییرات سوریه در سال ۱۹۴۱میلادی که در اشغال فرانسه و انگلیس بود استقلال خود را اعلام کرد و ژنرال کاترو، فرمانده نیروهای فرانسه استقلال و سپس تاسیس جمهوری سوریه را در شانزدهم سپتامبر ۱۹۴۱میلادی اعلام کرد تا نهایتا شـیخ تاج‌الدین حسنی نخستین رییس‌جمهور سوریه باشد؛ سرزمینی که با وجود پیشینه تاریخی دراز هرگز کشوری واحد نبود. اما با این حال استقلال سوریه تا سال ۱۹۴۴ عملا محقق نشد. پس از جنگ شش‌روزه اعراب با اسراییل که منجر به تصرف بخشی از خاک سوریه (بلندی‌های جولان) شد در سال ۱۹۷۰ ارتشبد حافظ اسد با کودتایی قدرت را در دست گرفت تا پس از او قدرت به پسر دومش بشار اسد (رییس‌جمهور فعلی سوریه) برسد. پسر اول حافظ اسد بعد از مرگ پدر در یک سانحه مشکوک اتومبیل کشته شد. او هم مانند پدر نظامی بود. سـوریه همواره در طول مدت حکومت خاندان اسد ارتباط نزدیکی با روسـیه داشته است و دو کشور همواره به‌عنوان متحد استراتژیک در منطقه خاورمیانه نقش ایفا کردند چراکه حتما تجهیز و آموزش نظامی برای سوریه‌ای که تاکنون هرگز کشوری واحد نبود بسیار مهم و حایزاهمیت بوده است.

افول پایگاه کرملین در جهان

با پایان جنگ جهانی دوم اتحاد جماهیر شـوروی توانسـته بود خود را در قامت پیروز به‌عنوان یکـی از قدرت‌های تاثیرگذار جهان معرفی کند؛ جنگی که ۲۷میلیون کشـته برای شوروی برجا گذاشت. تا اینکه شوروی تصمیم به اشغال افغانستان گرفت؛ اتفاقی که موجب نگرانی آمریکایی‌ها شد. پایان جنگ جهانی دوم شروع جنگ سرد در جهان بود و همین امر موجب شد تا شوروی بیش از گذشته برای ایفای نقش در معادلات بین‌المللی، افزایش قدرت نظامی، رفتن به فضا و افزایش متحدانشـان تلاش کند. در این میان سـوریه به‌عنوان کشـوری که در منطقه‌ای استراتژیک در قلب خاورمیانه قرار دارد برای روسیه بااهمیت شده بود. اما سرانجام ورود به اقتصاد صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های وسیع نظامی موجب شـد تا دولت مرکزی ضعیف شود و نهایتا این امر به فروپاشی اتحاد جماهیر شـوروی بینجامد. اما پس از آن روسـیه همچنان تلاش کرد تا سیاست‌های گذشته شوروی را در پیش بگیرد. نگاهی به روابط و نقش روسیه در مناسبات منطقه، به‌خصوص اعراب نشان می‌دهد در مقاطعی هم موفق بوده اسـت. اما پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط «صدام حسین» به‌عنوان یکی از متحدان روسـیه به‌نوعی آمریکا توانست تاثیرات و نفوذ خود را در مناسبات سیاسـی کشورهای منطقه افزایش دهد. با این حال اما دولت سوریه همچنان متحد روسیه است؛ متحدی خاص در قلب خاورمیانه، منطقه‌ای که نبض انرژی جهان در آن می‌تپد. این تفاوت البته دسترسی سوریه به آب‌های آزاد از طریق دریای مدیترانه و نزدیکی‌اش به اروپا و شـمال آفریقا و همسـایگی با اسراییل به‌عنوان متحد استراتژیک و مورد حمایت آمریکا، بیشتر اهمیت این کشور برای روس‌ها را نشان می‌دهد. طرطوس یکی از مهم‌ترین بندرهای این کشور است که نیروی دریایی روسیه سال‌هاست آنجا مستقر شده و همین امر به روسیه کمک کرده تا از این طریق به آب‌های آزاد دست یابد.

ریشه سوسیالیستی حزب بعث

نگاهی به تشابهات ایدئولوژی حاکم بر سوریه و شوروی در گذشته می‌تواند، به فهم درسـت از نزدیکی دو کشـور کمک کند. در جنگ جهانی دوم با وجود اینکه شوروی با آلمان توافقنامه عدم تجاوز را امضا کرده بود اما با حمله نازی‌ها این کشـور هم وارد جنگ شـد و همین امر باعث شـد تا سیاست‌های سختی برای اداره کشـور در شوروی در نظر گرفته شود. اما با شکست آلمان و پیروزی شوروی و آغاز جنگ سرد این سیاست همچنان ادامه یافت تا شوروی خاستگاه تفکر سوسیالیستی (جامعه بی‌طبقه) در جهان باشد. تشکیل سندیکاهای کارگری همزمان بود با تلاش شـوروی برای پیشـبرد فعالیت‌های گسترده صنعتی، آن هـم زمانی که دنیـا پس از جنگ جهانی دوم در رکود اقتصادی به‌سـر می‌برد. شوروی به‌عنوان بلوک شـرق با گسترش جغرافیایی زیاد، از شرق اروپا تا شرق آسیا بزرگ‌ترین کشور جهان به‌شمار می‌رفت و این تاثیرش را بر دیگر کشورها افزایش می‌داد. به همین دلیل بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی در بسیاری از کشورها تحت‌تاثیر تفکرات سوسیالیستی و گرایشی چپ‌گرایانه در ارتباط با اداره حکومت پیدا کردند. حزب بعث از احزابی است که تحت‌تاثیر همین ایدئولوژی قرار داشـت. حزب بعث سوریه از ۱۹۶۳ حزب حاکم بر سوریه شد. این جنبش در ۱۹۴۴ در دمشـق به رهبری «میشل عفلق» مسیحی سوری و «صلاح بیطار» مسلمان سنی سوری با هدف از بین بردن تسلط فرانسه بر سوریه تشکیل شد. این جنبش پس از استقلال سوریه علنی شد و با شعار اصلاحات، به مبارزه با اقتدار سیاسی و اقتصادی پرداخت. نهایتا هم حزب بعث در ۱۹۵۳ با حزب سوسیالیست سـوریه (حزب الاشـتراکیه) به رهبری «اکرم حورانی» یکی شد و این دو «حزب سوسیالیست بعث عربی» را تشکیل دادند. تا اینکه به‌قدرت‌رسیدن خاندان اسد پس از کودتای حافظ اسد در سوریه فرصتی برای حضور و بروز حزب بعث ایجاد کرد. به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق و سوریه باعث نزدیکی این دو کشور به شوروی شد تا جایی که سیاست‌ها، تشکیلات و ساختار ارتش این دو کشور نشان از تاثیرات روسیه بر آنهاست.

نگاهی به روابط و نقش روسیه در مناسبات منطقه، به‌خصوص اعراب نشان می‌دهد در مقاطعی هم موفق بوده است. اما پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط «صدام حسین» به‌عنوان یکی از متحدان روسیه به‌نوعی آمریکا توانست تاثیرات و نفوذ خود را در مناسبات سیاسی کشورهای منطقه افزایش دهد

علت اهمیت سوریه برای روسیه

در جریان تحولات منطقه در بهار عربی، روسیه هرگز نتوانست پایگاه و اثرگذاری مثبتی در حکومت‌های جدید این کشـورها داشته باشد. به همین دلیل به نظر می‌رسد در ارتباط با سوریه می‌خواهد برای اثبات جایگاه خود در معادلات جهانی کوتاه نیاید؛ چنانکه با پیچیده‌ترشدن اوضاع در سوریه، روسیه همچنان توجه خود را از سـوریه برنمی‌دارد. سوریه در گذشته همواره از مهم‌ترین متحدان مسکو در منطقه خاورمیانه محسـوب می‌شـد، تا آنجا که همان‌طور که اشاره شد همواره ارتش سوریه توسط مدرن‌ترین سلاح‌های روسی مجهز شده است و حتی پس از فروپاشی شوروی، روسیه نزدیکی خود را با سوریه حفظ کرد. برای اثبات موضوع می‌توان به مواردی چون دخالت مسکو بر روند تعدیل روابط سوریه و اسراییل و روند تعدیل اوضاع در مناسـبات لبنان و اسراییل، نقش کنترل‌کننده روسیه در برنامه‌های نظامی سـوریه و تلاش روسیه در ایفای نقش در مبارزه با تروریسم با حفظ نزدیکی روابط خود با دمشق اشاره کرد. همچنین روسیه همواره کوشیده تا از طریق سوریه بخشی از مسایل مربوط به چچن را حل‌وفصل کند. علاوه‌بر موارد ذکرشده روابط دوجانبه سوریه در استراتژی امنیتی روسیه به‌عنوان شریکی مهم در حوزه ژئوپلیتیک است و به همین دلیل مسکو در این مدت، همکاری‌های امنیتی و نظامی خود را با سوریه افزایش داده و اطلاعات مهم نظامی و امنیتی را در اختیار آنها گذاشته است که شاید مهم‌ترین آن تحرکات نظامی ارتش ترکیه در مرزهای سوریه است. علاوه بر این سوریه مهم‌ترین خریدار تسلیحات نظامی روسیه در بین کشورهای عربی است و ارتش این کشور به آخرین موشک‌های روسی مجهز است و به همین دلیل است که روسیه با اعمال تحریم اسلحه به سوریه مخالفت می‌کند. همچنین یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی روسـیه در بندر «طرطوس» سوریه است. روسیه از این پایگاه به‌عنوان مرکز سرویس‌دهی فنی به کشتی‌های نیروی دریای خود استفاده می‌کند. این پایگاه از دهه ۷۰میلادی در اختیار اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد. بندر طرطوس، تنها پایگاهی است که روسیه در دریای مدیترانه دارد و برای مسکو از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

تقابل روسیه و آمریکا در مرزهای سوریه

ادامه جنگ سرد میان دو قدرت جهان، روسیه و آمریکا، امروز به درون مرزهای سوریه کشانده شده است. اهمیت اینکه چه حکومتی در سوریه بر سر کار باشد تا حافظ منافع یکی از این دو باشـد و اهمیت وصل یا قطع این پل ارتباطی را می‌تـوان در هزینه‌ای که دو طرف بـرای وصل یا قطع آن می‌پردازند فهمید. تا آنجا که چرخش در مواضع روسـیه می‌تواند اوضاع سـوریه را به‌شدت دگرگون سـازد؛ هرچند مرور اتفاقات پیش‌آمده از زمان آغاز درگیری‌ها در سوریه نشان می‌دهد روسیه درحال حاضر تمایلی برای تغییر موضع ندارد. جدال بر سر سوریه درواقع بخشی از تقابل سیاست خارجی آمریکا و روسیه در منطقه است. آمریکا طی این سـال‌ها با اسـتقرار پایگاه‌های نظامی خود در منطقه و به‌دست‌گرفتن مسـیرهای ارتباطی تلاش کرده تا حوزه نفوذ روسـیه را کاهش دهد و از طرفی بتواند بر مسـیرهای انتقال انرژی از سـمت آذربایجان و ترکمنسـتان کنترل کامل داشته باشد. حضور نظامی در افغانستان و زیرنظرگرفتن پاکستان، حمله به عراق و ایجاد روابط دوسـتانه و جلب حمایت کشورهای حوزه خلیج‌فارس با امضای توافقنامه‌های امنیتی و فروش سلاح، بی‌ثباتی در ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکسـتان و ایجاد مناطق تنش در قزاقستان برای ایجاد پایگاه‌های نظامی و کنترل نهادهای امنیتی و ارتش‌های منطقه همه نشـان از تلاش آمریکا برای کاهش نفوذ روسیه است. بر همین اساس می‌بینیم روسیه با تمام توان سعی دارد از سقوط سوریه جلوگیری کند تا اینگونه بتواند نقش موثر خود را در معادلات بین‌المللی بازسازی کند و از این طریق راهی برای نفوذ دوباره به منطقه خاورمیانه بگشاید. به این نکته باید توجه داشت که در نظر روس‌ها سوریه کانالی مهم برای ارتباط با جهان عرب است.

بازگشت غول شرق

در طول دوران جنگ‌سرد، ایالات‌متحده و شوروی برخوردهای گوناگونی با یکدیگر داشـتند که جنگ لفظی را به تنـش و تنش را به بحران، تبدیل می‌کرد و بعضا در برخی موارد مانند بحران موشکی کوبا تا مرز تبدیل بحران به درگیـری و درگیری به جنگ پیش رفتند اما قـدرت بازدارنده دو طرف همواره مانع از برخورد مسـتقیم طرفین با یکدیگر می‌شـد. به همین دلیل مسـتقیما در مناسبات کشورهایی که با یارکشـی انجام شده پس از جنگ دوم جهانی به اردوگاه‌های خود آورده بودند، دخالت می‌کردند و هر حرکت و قدمی در جهت مخالف منافع خود را برنمی‌تابیدند. اگر از زاویه دیگری به این برخوردها نگاه کنیم، روشن است که ایالات‌متحده که پس از جنگ جهانی دوم، بزرگ‌ترین دشمن خود را کمونیسم و رسالت خود را مبارزه با گسترش آن می‌دانسـت، شـوروی را در هیبت یک ابرقدرت می‌دید و در موضوعات مختلف حاضر به مذاکره با دشمن شماره‌یک خود، یعنی شوروی می‌شد. از طرفی آمریکایی‌ها به دلیل اینکه همواره تلاش برای تحمیل هژمونی خود را در صدر برنامه‌هایشان داشتند، از این موضوع خشنود نبوده و از هر فرصتی برای از بین بردن این ابرقدرت شرقی استفاده می‌کردند تا اینکه در زمستان ۱۹۹۱ آمریکا به آرزوی ۴۶سـاله خود رسـید و رسما انحلال شوروی اعلام شد. پس از آن بود که آمریکا با آسوده شدن از جانب غول‌شرقی، با تغییر در دشمن اعلامی خود، سعی بر نفوذ هرچه بیشتر در خاورمیانه کرد. آمریکا پس از فروپاشی شوروی، بنیادگرایی اسلامی را دشمن شماره‌یک خود معرفی کرد و تا امروز از این استراتژی در جهت پیشبرد هژمونی مورد نظر خود بهره برده اسـت. از سوی دیگر روس‌ها نیز که پس از فروپاشی، غرور ناشی از ابرقدرتی خود را ازدست‌رفته می‌دیدند، پس از فایق‌شدن بر مشکلات به‌جامانده از زمان شوروی، سعی در احیای قدرت ازدست‌رفته خود دارند و بر این اساس تلاش دارند تا خود را بار دیگر به‌عنوان یک بازیگر مهم و مقتدر در معادلات جهانی معرفی کنند.

هرچند این رویکرد از سوی آمریکایی‌ها هیچ‌گاه تهدید جدی تلقی نشد، ولی از آن هم غافل نبودند. کناره‌گیری «یلتسین» ساعاتی پیش از آغاز قرن ۲۱، این فرصت را به روسـیه و رییس‌جمهور جدید یعنی «ولادیمیر پوتین» داد تا در قرن جدید، در راستای احیای قدرت شوروی سابق با شکلی نوین و به‌دور از برخوردهایی از نوع جنگ‌سـرد گام بردارد. این تغییرات نگرانی‌هایی را برای واشنگتن ایجاد می‌کرد چراکه آنها هرگز حاضر به دیدن یک همتراز خود در دنیا نیستند.

اگرچـه این تلاش‌ها در زمـان حمله یکجانبه ایالات متحـده و ائتلاف متحدانش به عراق در سـال ۲۰۰۳ و همچنین حمله سـال ۲۰۱۱ ناتو به لیبی، به ثمر ننشست ولی استقامت روس‌ها در بحران سوریه، نه‌تنها با عدم سقوط اسد یکی از سـنگرهای خود را حفظ کرد، بلکه با به‌مذاکره‌کشاندن مستقیم و دوطرفه با آمریکایی‌ها بار دیگر ضمن تثبیت جایگاه خود در عرصه بین‌الملل، ندای سـربرآوردن روسیه ابرقدرت که آرزوی هر روس است را سر داد. انجام مذاکرات «جان کری» و «سرگئی لاوروف» با موضوع سوریه، نه‌تنها نشان از اوج‌گیری و قدرتمند شدن روسیه دارد بلکه نشان از تضعیف هژمونی و یکجانبه‌گرایی ایالات‌متحده نیز دارد. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت ترازوی ابرقدرت‌ها که به‌نفع آمریکا سنگینی می‌کرد، با وزن گرفتن غول خفته شرق، به سمت تعادل می‌رود.

البته هنوز برای گفتن «تبدیل شدن نظام بین‌الملل از هژمونی به دوقطبی» بسیار زود است اما بحران سوریه نشان داد که این روند مدت‌هاست که آغاز شده و گرچه هنوز به نتیجه دلخواه روس‌ها نرسیده است ولی اولین بازخورد آن را در نتیجه مذاکرات وزرای خارجه آمریکا و روسـیه می‌توان لمس کرد. حال باید منتظر بود و دید که آیا آمریکا برای به‌دست‌آوردن وزن ازدست‌رفته خود و بازگرداندن پارامتر ابرقدرتی، که اقتدار در عمل است، به یکجانبه‌گرایی نظامی در بحران سوریه اقدام خواهد کرد یا خیر.

گزارش

نقش کلیدی روسیه در بحران سوریه

الوطن ALWATAN یومیة • سیاسیة • اقتصادیة

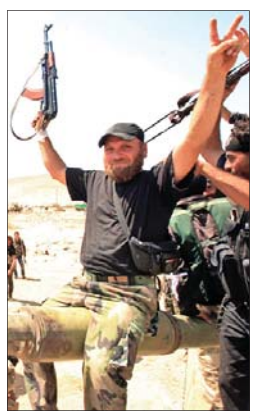
هنگامی که سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در ژنو می‌گوید: «توافق روسیه و آمریکا بهترین راه‌حل سیاسی برای توقف خشونت‌ها در سوریه است» مساله مهمی را نادیده می‌گیرد و آن اینکـه پیش از اینکـه همه راه‌ها به بن‌بست برسـد بارها راه‌حل‌هایی پیشنهاد شـد اما این روسیه بود که همه آنها را ناکارآمد گذاشت.

یکـی از ایـن راه‌حل‌ها از سـوی اتحادیه عرب در ابتدای سـال ۲۰۱۲ مطرح شـد کـه نظام سـوریه آن را نپذیرفت و اتحادیه عرب نیز پیشنهاد خود را در فوریه همان سال به شورای امنیت برد اما درنهایت این روسـیه و چین بودند که با استفاده از حق وتوی خود مانع تصویب چنین پیشنهادی شـدند. درحالی که کشورهای عرب راه‌حلی مسـالمت آمیز را پیشـنهاد کرده بودند و تاکید داشـتند که باید آوارگان به خانه و کاشانه‌شان بازگردند. این راه‌حل اگـر در آن زمان پذیرفته شده بود جلو بسـیاری از کشته‌های بعدی را می‌گرفت.

حـال روسـیه بـا چـه منطقی می‌خواهـد جهـان را قانـع کند که خواسـتار راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای بحران سوریه است. چون بارها روسیه ثابت کرده کـه دراین بحران تنها به یک گزینه می‌اندیشد و آن حفظ نظام سوریه است.

از آن گذشته، ائتلاف ملی سوریه هم تاکنون نتوانسته است کارآمدی خـود را نشـان دهـد و دولت‌های اثرگذار در سـطح منطقه و درسطح بین المللی را قانع کند که اگر نظام کنونی سقوط کرد قادر به اداره امور خواهد بود. شاید بعد از نشست اخیر در ترکیه ما شـاهد ابتکار عمل‌های جدیدی باشـیم که ایـن نقیصه را جبـران کنـد. دیدار اخیـر مقامات سه‌کشـور عربی بـا فرانسـوا اولاند رییس جمهور فرانسه می‌تواند دراین جهت مورد ارزیابی قرار گیرد. هدف از این دیدار تقویت گروه‌های مخالف سوریه بیان شد.

بحران سوریه طی دوسال گذشته این نکته را کاملا اثبات کرده و نشان داده که روسیه در آن نقشی کلیدی دارد. بنابراین مادام که روسیه دست از حمایت از اسـد و نظام او نکشـد هیچ راه‌حلی به نتیجه نخواهد رسید. کنفرانـس ژنو ۲ نیز یکـی دیگر از همین راه‌حل‌هـا خواهد بود که قرار است سـوری‌ها در آن جمع شده و برای دوران بعد از اسد توافق کنند.



دریچه

عراق بر سر دوراهی روسیه و آمریکا

مریم امیری

عراق تا سـال ۱۹۹۰ ششمین قدرت نیروی هوایی جهان محسوب می‌شـد و بخش اعظـم قدرت خود را مدیون اتحاد جماهیر شـوروی بود؛ در عوض چیزی که قدرت عراق را خنثا کرد، بمب‌های آمریکایی در جنـگ خلیج‌فارس بود. چند صباحی پـس از آن عراق به ناچار به دامن همان دشـمن قدیمی افتاد و یار دیرینه‌اش را وا نهاد. اما قرارداد دومیلیاردو۲۰۰میلیون‌دلاری خرید تسلیحات نظامی عراق با روسیه در سال ۲۰۱۲ در میان شگفتی بسیاری ناظران، شبهه بازگشت عراق به سوی روسـیه را زنده کرد. با این همه سایه آمریکا هرگز عراق را برای عقد قراردادهای اینچنینی راحت نگذاشـت. هنگامی که خبرنگاران از ویکتوریا نولاند، سخنگوی رسمی وزارت خارجه آمریکا پرسیدند ما برای آنها کشته دادیم اما عراقی‌ها به سوی رقیب خطرناک ما رفتند، نظر شما چیسـت؟ گفت، قراردادهای تسلیحاتی ما با عراق سه برابر این قرارداد است و نباید این مساله نگران‌کننده باشد.

حدود ۸۵درصد تجهیزات مورد استفاده عراق در جنگ ایران و عراق ساخت شوروی بود. آغاز روابط دوستانه عراق و اتحاد جماهیر شوروی مربوط به پیمان دوستی است که دو کشور در سال ۱۹۷۲ منعقد کردند. بعد از مدتی با گرایش عراق به سـمت غرب و دوری از شوروی، روابط دو کشور رو به تیرگی نهاد. پس از امضای معاهده ۱۹۷۵ الجزایر میان محمدرضا پهلوی و صدام حسـین و حمایت قاطـع ایالات متحده از موضع ایران، این کشور در سال ۱۹۷۶ پس از ناامیدی از حمایت مسکو، قراردادی را با فرانسه منعقد کرده بود که به موجب این قرارداد، ساختار ارتش عراق باید به‌تدریج وابستگی خود را به مهمات و تجهیزات ساخت شـوروی کم کند. به‌دنبال آن در اوایل سال ۱۹۷۷ خرید هواپیماهای داسو میراژ ۳ و طرح خرید نیروگاه هسته‌ای اوسیراک از فرانسه منجر به بروز مشـاجراتی بین بغداد و مسـکو شد. از سوی دیگر محکومیت شدید تجاوز شوروی به افغانستان از سوی عراق و متلاشی‌کردن حزب کمونیست عراق و اعدام بیش از صد نفر از اعضای آن همگی نشان بر تیرگی روابط عراق و شـوروی بود. با این حال هیچ‌گاه روابط دو کشور قطع نشـد و هر دو همواره سـعی داشتند سطح مطلوبی از مناسبات سیاسـی را با طرف مقابل حفظ کنند. عراق به دلیل وابستگی ساختار ارتش و نیازمندی به تسلیحات و ادوات نظامی قادر به قطع کامل روابط با شوروی نبود و مسکو نیز تمایلی به از دست دادن تنها متحد خود در حاشیه خلیج‌فارس نداشت. در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در سفری که به مسکو داشت توانست موافقت شوروی را برای اعطای کمک‌های تسلیحاتی به رژیم بعث عراق جلب کند. اولین محموله از سـلاح‌های مدرن شـوروی در زمستان همان سال به عراق تحویل داده شـد. همچنین تعدادی از کارشناسان موشکی شوروی به عراق آمدند تا بتوانند برنامه موشـکی بالستیک عراق را توسعه دهند و تا سـال ۲۰۰۱ در عراق ماندند. اما در حمله آمریکا به عراق، روسـیه تقریبا نقش منفعلی داشت. انگار از نفوذ تاریخی خودش در عراق دست کشـیده بود. روسیه همیشه پنهان و آشکار با حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه مخالفت کرده است. مخالفت روسیه با حمله آمریکا به عراق نیز از ابتدا مطرح بود؛ تا جایی که بعضی کارشناسان قبل از حمله آمریکا به عراق، احتمال می‌دادند روسـیه طرح این حمله را در شورای امنیت وتو کند. گویا اقدام نظامی ایالات متحده علیه عراق، روسیه را بر سر دو راهی دشواری قرار داد. روس‌ها از سویی خواستار حل و فصل سیاسی بحران شده و از سوی دیگر با آغاز جنگ، لحن مخالفت‌جویانه خود را تعدیل کرده و در پی حفظ منافع روسیه در عراق پس از جنگ برآمدند. روشن است که روسیه پس از سقوط شوروی هرگز به جایگاه ابرقدرتی که داشت، دست نیافت. خاورمیانه برای روسیه منطقه‌ای استراتژیک بود که می‌توانست لااقل در آنجا اعمال نفوذ کند ولی این منطقه را نیز تقریبا به آمریکا وانهاد و در مقابل مداخلات آمریکا کاملا دست‌بسته بود. روسیه در این کشـورها همیشه نفر دوم بوده است و تنها پس از سلطه کامل آمریکا تلاش کرده از اینجا و آنجا منافع جزیی برای خود دست‌وپا کند.

قرارداد چهارمیلیارددلاری تسـلیحاتی عراق با روسـیه، تا حدودی جایگاه از دست رفته روسیه را در عراق - گرچه هنوز مقام دوم را دارد - بازیابی کرد. قراردادی که به آسانی به مرحله اجرا درنیامد. تنها چند روز پس از سفر نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق به روسیه، شایعه شد که این قرارداد به‌طور یک‌طرفه از جانب عراق لغو شده است. بهانه لغو قرارداد، کشف فساد اطرافیان ولادیمیر پوتین در مرحله امضای قرارداد بود. در پی این رسـوایی، علی دباغ، سخنگوی دولت عراق نیز به اتهام دریافت رشوه برای عقد این قرارداد از سمت خود برکنار شد.

گرچه در نهایت و پس از یک‌سـال، در اواخر شهریور امسال اولین محموله جنگنده‌های پیشـرفته روسی وارد عراق شد. فرماندهان دفاع هوایی عراق به مناسبت دریافت این سامانه‌ها جشن گرفتند. سامانه‌هایی که دولت عراق دریافت کرد از پیشرفته‌ترین سامانه‌های موشکی و دفاعی روز است. وزارت دفاع عراق اعتقاد دارد با دریافت این سامانه‌ها ساختار دفاعی خود را در کنار رادارها و دستگاه‌های ردیاب تکمیل کرده است. دو طـرف توافـق کردند که عراق ۳۰ بالگرد از نوع مـی – ۲۸ و ۴۲ از روسیه بخرد و سامانه دفاع هوایی بانتسیر را نیز عراق از روسیه خریداری کند. این اتفاقی جدید در روابط روسیه و عراق پس از سقوط حکومت صدام حسین در سال ۲۰۰۳ محسوب می‌شد. این قرارداد علاوه بر خرید تسلیحاتی سنگین، از جهات دیگری هم اهمیت داشت. روابط روسیه به دلیل مواضعش در بحران سوریه با کشورهای عربی بسیار پیچیده است. همچنین گرایش بغداد به مسکو سبب می‌شد که این نگاه به وجود آید که واشنگتن در سیاست‌هایش در قبال بغداد شکست خورده است و این به نفع روسیه تمام می‌شد.

ادامه در صفحه ۹